

محمود صالحی آینه درد و رنج طبقه کارگر

فردین نگهدار

چهاردهم دی ماه هشتاد و شش

من آن خاکستر سردم که در من
شعله همه عصیان ها ست
من آن دریای آرامم که در من
فریاد همه توفان ها ست
من آن سرداب تاریکم که در من
آتش همه ایمان ها ست

این روزها تقریباً " هر روز و روزی چند بار مترصد فرصت هستم تا وارد دنیای اینترنت شوم. به محض وصل شدن ، بی درنگ و با دلهره وبلاگ " کمیته دفاع از محمود صالحی " را باز می کنم. کمیته ای که به همت جمعی از رفقای محمود تشکیل شد و تجربه گرانقدری است. با باز شدن صفحه و در اولین نظر عکس های محمود روی تخت بیمارستان آن هم در حالی که دست و پای او را به تخت بسته اند ، روان آدمی را می آزارد. تندتند سراغ آخرین خبرها از او می گردم ، کلمه به کلمه هر خبر و گزارشی را با وسواس می خوانم ، هر از چند گاهی کلمه و اصطلاحی جدید به گزارش ها و اخبار وضعیت جسمی او افزوده می شود؛ افزایش فشارخون، دفع نشدن اوره، بیهوش شدن های مکرر ، افزایش ضربان قلب و ...

بعد از آنکه محمود را با حيله گری از سقز ربودند و روانه زندان سندانج کردند اولین نگرانی مان وضعیت سلامتی او بود. آیا می شود درحالی که يك کلیه ندارد و آن یکی دیگر هم ۲۰٪ کارائی دارد، دوران زندان را در سلولی که به زور ۳۰ نفر را در آن جا کرده اند ، سر کند ؟

اما زندان است و اجبار!

با مرور وبلاگ ، تیتراهای بیانیه و اطلاعیه های تشکل ها و کمیته ها و افراد در محکومیت نگه داشتن محمود بیمار در زندان دلهره آمیز تر است. " وضعیت جسمانی محمود صالحی وخیم است " ، " جان محمود صالحی در خطر است " ، محمود صالحی در آستانه مرگ قرار دارد " ، " مسئولیت جان محمود صالحی با مسئولان جمهوری اسلامی است " و ... بی اختیار یاد محمود صالحی قبل از زندان می افتم ، همیشه می کوشید که درد و رنج جسمانی اش را کم جلوه دهد و اطرافیان را نگران نکند.

روحیه محمود همیشه عالی است.

به راستی وضعیت جسمانی او وخیم است. وقتی حدود سه هفته پیش محمود را که از زندان به بیمارستان منتقل کرده بودند و فرصتی دست داد تا چند ثانیه ای تلفنی با او صحبت کنم گفت که " حال خوب نیست درد زیادی دارم " و دیگر نتوانست حرفش را ادامه دهد. بغض گلویم را فشرده و احساس سنگینی وجودم را. کاش آن لحظه می توانستم در کنارش

باشم. اما با این وضعیت، او همچنان با اراده راسخ به تحکیم صفوف مبارزان راه آزادی و برابری می اندیشد به گونه ای که به محض باخبر شدن از دستگیری دانشجویان به جرم تلاش برای برگزاری آزادانه روز دانشجو از آنان حمایت می کند و به همه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب می بالد که پیوندشان را با جنبش کارگری ارتقاء داده اند.

به راستی روحیه محمود غرور آفرین است و رزم بی باک اش نیروبخش ما؛

رنج های فراوان

سیه چال زندان

در هم نشکسته عزم تان را رفقا

این دنیای بی داد

با رنج ما آباد

کجایش زندان ما نبوده رفقا

از سی سال گذشته محمود هفت سالش را در زندان بوده و هر بار پس از آزادی مصمم تر به مبارزه ادامه داده است. محمود طعم تلخ استثمار و بی عدالتی را از همان دوران نوجوانی چشیده و درس مبارزه با استثمار و تبعیض را از لابه لای صفحات زندگی خود و دیگر کارگران و استثمار شدگان فراگرفته است.

او به مانند يك کارگر آگاه و پیشرو درس آشتی نا پذیری کاروسرمایه را خوب آموخته و آن هنگام که در دادگاه و در برابر قاضی شجاعانه از برگزاری آزادانه روز جهانی کارگر دفاع می کند و به او یادآوری می شود که میزکارش، صندلیش، خودکار، لامپ، کاغذ، لباس، دیوار و هر آنچه که در اتاقش است، تولید و حاصل دسترنج کارگران است، به مثابه يك کارگر پیشرو به دفاع از يك طبقه برمیخیزد، چگونه نظام سرمایه داری می تواند این کارگر خودآگاه را ساکت کند؟

آنگاه که او با تهیه جدول هزینه خانوار، به تعیین سطح ناچیز دستمزد از سوی نهادهای سرمایه داری می تازد، او عمق مصیبت و سرمنشاء سیه روزی کارگران را درک و لمس کرده، چگونه می توانند او را خاموش کنند؟

آن سان که محمود با درک طبقاتی با دیگر فعالان کارگری به تشکیل " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری " مبادرت می کند نیک می داند که با تشکل و سازمانیابی کارگران و اعمال قدرت طبقاتی است که می توان به بردگی انسان از انسان پایان داد.

اوبه معنای واقعی يك فعال کارگری ضد سرمایه داری با رویکرد جنبشی است. او شناخت خوبی از طبقه کارگر دارد و گرایشات مختلفش را می شناسد. او منافع طبقه کارگر را به هرگونه منافع فردی، گروهی و سازمانی ترجیح می دهد و از هرروزنه و فرصتی برای پیشبرد امر مبارزه با سرمایه داری و نیز آگاه ساختن کارگران به منافع طبقاتی شان بهره می گیرد. او با کارگران خباز سقر، کوره پزخانه ها، شاهو، نساجی کردستان، شرکت واحد، پرریس سنندج همگام است، به فراخوان برای تشکیل "شورای همکاری" با حفظ اصول پاسخ مثبت می دهد، او دل درگرو هیچ تشکل دولت ساخته و ضد کارگری، سرمایه سالار و فرقه ای ندارد. محمود به رهایی کارگران به نیروی خود اعتقاد راسخ دارد. محمود دربند فرزندی از طبقه کارگر است، طبقه ای به گستره جهان، بیاییم با کارزار برای آزادی او را شدت بخشیم و

با ادای وظیفه انسانی در پیشگاه تاریخ سر بلند باشیم. فردین نگهدار - ۱۳۸۶/۱۰/۱۴